

نقش معنوی امام سجاده^(ع) در امتداد نهضت کربلا^۱

رقیه اسماعیلی^۲

چکیده

با بررسی دقیق در واقعه عاشورا و سیره امام سجاده^(ع) درمی یابیم که امام سجاده^(ع) در جاویدان ماندن این نهضت و قیام خونین که تا ابد در ذهن و جان بشریت نقش بسته است نقش بسیار مهم و اثرگذاری داشته است و البته از عهده این مسئولیت و رسالت به خوبی برآمده است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی ابعاد شخصیتی حضرت امام سجاده^(ع) و بیان راهکارهایی است که ایشان در جهت احیا و تداوم نهضت عاشورا انجام داده‌اند. امام سجاده^(ع) فرزند برومند حسین بن علی^(ع) است که در سال ۳۸ هجری به دنیا آمد. ایشان همانند دیگر امامان معصوم از اخلاق برجسته‌ای برخوردار بودند و همچنین از نظر علمی سرآمد زمان خود بودند. امام سجاده با توجه به مصلحت الهی در واقعه عاشورا بیمار شدند که همین بیماری باعث شد که ایشان را نکشند و این ذخیره امامت باقی بماند تا شیعه بی رهبر نباشد. بعد از حادثه عاشورا، اسرا به کوفه و سپس به شام فرستاده شدند و امام سجاده^(ع) و حضرت زینب^(س) در فرصت‌هایی که به وجود می آمد سخنرانی کردند و پیام کربلا را به همگان رساندند. آن‌ها مظلومیت امام حسین^(ع) و یاران باوفایشان و ظلم‌هایی که دشمنان یزیدی در حق ایشان انجام دادند را بیان کردند، این افشاگری‌های امام سجاده^(ع) و حضرت زینب^(س) توطئه یزید که خواری اهل بیت بود را خنثی کرد و قضیه به سود اهل بیت تغییر کرد. امام سجاده^(ع) در طول زندگی از روش‌های مختلفی استفاده کردند تا واقعه جان‌سوز کربلا به فراموشی سپرده نشود. این اقدامات آثار و پیامدهایی به همراه داشت که از آن جمله می‌توان به تنفر مردم از امویان، قیام مختار، توابین و قیام‌های مختلفی که نشأت گرفته از قیام امام حسین^(ع) بودند را اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: امام سجاده^(ع)، واقعه عاشورا، نهضت کربلا، تبلیغ دین

^۱ این مقاله در همایش «مدیریت معنوی جامعه در سیره ائمه اطهار(ع)» ارائه شده است.

^۲ مدرس حوزه علمیه الزهرا شیراز

مقدمه

بررسی و مطالعه در سیره زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) نشان می‌دهد که این بزرگواران، از روش‌های متفاوتی برای بسط و گسترش معارف اسلامی استفاده می‌کردند؛ یکی صلح را پذیرفت و یکی جنگید یکی به‌ناچار سکوت اختیار کرد و دیگری با دعا و نیایش به پاسداری از مکتب حقه اسلام پرداخت. روش‌های مختلفی که اهل بیت از آن‌ها استفاده می‌کردند با توجه به شرایط خاص و متفاوتی بود که با آن در عصر خود روبه‌رو می‌شدند.

با بررسی تاریخ امامان معصوم (علیهم‌السلام) درمی‌یابیم که یکی از موضوعاتی که باید به آن بیشتر اهمیت دهیم بررسی نقش امام سجاد^(ع) در رهبری شیعه و تداوم نهضت کربلا پس از شهادت پدر بزرگوارشان؛ حضرت سیدالشهدا^(ع) است.

اهمیت این موضوع زمانی روشن می‌شود که گروهی از مورخان و نویسندگان قدیم و معاصر از شیعه و سنی بر این باورند که امام سجاد^(ع) بعد از حادثه جان‌گداز عاشورا و مصیبت‌هایی که بر ایشان و اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد شد، عملاً از سیاست کناره‌گیری کردند و به امور عبادی و شخصی خویش پرداختند و نه تنها در برابر حاکمان زور گوی بنی‌امیه هیچ‌گونه اعتراضی نکردند بلکه از مطیع‌ترین افراد اهل بیت (علیهم‌السلام) نزد دستگاه حاکم بودند. همان‌طور که یکی از نویسندگان شیعی می‌نویسد:

«فاجعه کشته شدن پدر بزرگوار امام سجاد^(ع) که حضرت شاهد و ناظر آن بود، دردناک‌تر از آن بود که وی را رها کرده، بعد از آن چیزی از امور دنیا را طلب کند یا به مردم اعتماد کند یا در امور سیاسی دخالت کند، از این‌رو حضرت بر عبادت مداومت کرد.»

اما وقتی سیره حضرت و زندگی‌نامه ایشان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم درمی‌یابیم که قضیه درست برعکس آنچه این دسته از محققان و مورخان می‌نویسند است. ایشان با اینکه بنا به مصلحت الهی در واقعه کربلا بیمار بودند اما با حاکم جور بنی‌امیه مقابله کرد و نگذاشت شعله فروزان نهضت کربلا روبه خاموشی ببرد.

از این‌رو هدف از انجام این پژوهش، بررسی ابعاد شخصیتی حضرت امام سجاد^(ع) و بیان راهکارهایی است که ایشان در جهت احیا و تداوم نهضت عاشورا انجام داده‌اند. امید است بتوانیم گامی هرچند کوچک در دفاع از مقام والای این امام معصوم و عقاید حقه شیعه برداریم.

۱. بررسی ابعاد شخصیتی امام سجاد^(ع)

۱-۱. گذری بر زندگانی حضرت سجاد^(ع)

امام سجاد^(ع)، فرزند برومند امام حسین بن علی بن ابی‌طالب^(ع)، بنا بر قول مشهور در نیمه جمادی الاخر سال ۳۸ هجری دیده به جهان گشود. آن حضرت دو سال از دوران امامت امام علی^(ع)، ۱۰ سال از امامت امام مجتبی^(ع) و ۱۰ سال از امامت پدر بزرگوارش امام حسین^(ع) را درک کرده و پس از آن، به مدت ۳۴ سال امامت و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده داشته است. نام آن بزرگوار «علی»، کنیه مشهورش «ابوالحسن» و لقب‌های معروفش «زین‌العابدین» «سید العابدین» و «سجاد» است.

هریک از این لقب‌ها نشان‌دهنده مرتبه‌ای از کمال نفس، درجه‌ای از ایمان، مرحله‌ای از تقوا و پایه‌ای از اخلاص است. هرچند ظاهراً این لقب‌ها را مردم به امام^(ع) دادند، اما این نام‌گذاری مردم نه فقط به صرف معنای لغوی این کلمه بوده بلکه به معنای اصطلاحی آن و توسط صرافان گوهرشناس و عارفان انسان جو بوده است.^۱ (شهیدی، ۱۳۸۷: ص ۸)

درباره زمان تولد حضرت سجاد اختلاف است اما بعضی محل تولد او را شهر کوفه می‌دانند. به نظر می‌رسد قول اخیر به حقیقت نزدیک‌تر باشد.

امام علی^(ع) همراه با امام حسین^(ع) از سال ۳۶ ه ق. تا زمان شهادتش، در سال ۴۰ هجری در کوفه بودند لذا تولد امام سجاد^(ع) بنا بر مشهور (۳۸ ه ق) در مدینه نبوده است. (رنجبر، ۱۳۸۲: ص ۳۶-۳۸)

۱-۱-۱-۱ امام سجاد^(ع) و همراهی با کاروان شهادت

بعد از فوت معاویه در سال ۶۰ هجری یزید به خلافت رسید و به حاکم مدینه نامه نوشت و از او خواست که از همه به‌خصوص حسین بن علی^(ع) برای او بیعت بگیرد و اگر حسین بیعت نکرد او را به قتل برساند ولید بن عقبه - حاکم مدینه - امام حسین^(ع) را به دارالحکومه خواند تا از او بیعت بگیرد. امام که موضوع را حدس زده بود با سی نفر از جوانان بنی‌هاشم و دوستانش که مسلح بودند به دارالاماره رفت. امام پیشنهاد ولید را شنید و اجابت آن را به‌روز بعد در جمع مردم موکول کرد و از آنجا خارج شد و شبانه با اهل بیت خود به سوی مکه هجرت کرد. امام سجاد^(ع) نیز به همراه پدر از مدینه به مکه هجرت کرد. آنان از آنجا در اجابت دعوت کوفیان به سوی عراق رهسپار شدند تا به کربلا رسیدند. (حیدری، ۱۳۷۳: ص ۳۲۳)

امام حسین^(ع) نمی‌توانستند در زمان معاویه قیام کند؛ چون می‌دانستند این قیام با شکست مواجهه می‌شود

^۱ جعفر، شهیدی، زندگانی علی بن الحسین^(ع)، چاپ پانزدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۸.

چون معاویه با سیاست حکومت می‌کرد و باطل بودن معاویه پشت ظاهر سازیش پنهان شده بود. بعد از مرگ معاویه و به خلافت رسیدن یزید، امام(ع) با توجه به مشخص بودن چهره پلید یزید برای همگان و با توجه به دعوت کوفیان تصمیم گرفتند به وظیفه دینی خود عمل کنند و حکومت یزید را برای حفظ اسلام و حفظ مصالح مسلمانان و رعایت حقوق آن‌ها سرنگون کنند.

هیچ حادثه‌ای در سراسر تاریخ بشر سخت‌تر از حادثه کربلا نبود. سی هزار نفر از شورورترین افراد در مقابل هفتاد و دو نفر از بهترین مردمان که بیشتر آنان از فرزندان رسول خدا(ص) بودند ایستادند و فجع‌ترین کارها را انجام دادند و خون آن‌ها را وحشیانه ریختند و زنان و کودکان را با سختی و عذاب هرچه بیشتر به اسارت بردند.

۲-۱-۱- زمان عروض بیماری برای امام سجاده(ع)

در اسناد تاریخی از زمان عروض بیماری حضرت زین‌العابدین(ع) خبر صریحی وجود ندارد آنچه به صورت قطعی می‌توان ادعا کرد بیمار بودن حضرت در شب عاشورا است و این بیماری به گونه‌ای نبوده که حضرت را از حضور در جمع اصحاب مانع شود. حضرت می‌توانستند بنشینند و در جمع حاضر باشند و یا رفتار پدر را تحت نظر داشته و کلام او را بشنوند و به گریه افتاده و سکوت کنند. البته این بیماری در روز عاشورا بخصوص به هنگام وداع آخر با پدر، به شدت روبه وخامت گذاشته و حال جسمانی حضرت در آن موقع بسیار وخیم گزارش شده است که دیگر حتی توانایی نشستن هم نداشتند. (دعای، ۱۳۸۰: ص ۶۰)

۳-۱-۱- حمله بر زین‌العابدین(ع)

عده‌ای از ارادل کفار به امام زین‌العابدین(ع) هجوم بردند درحالی که از مریضی بسیار ناتوان شده و قلبش از مصیبت حوادث مجروح بود و شمر بن ذی‌الجوشن خبیث خواست او را بکشد اما حمید بن مسلم او را سرزنش کرد و گفت:

«آیا کودکان را هم می‌کشید؟ این مریض است... (اما شمر توجهی نکرد پس عمه‌اش زینب عقیله بنی‌هاشم به او چسبید و گفت: تو او را نمی‌توانی بکشی تا قبل از آن مرا کشته باشی) پس آن لعین از این کار صرف‌نظر کرد و او به طرز عجیبی نجات یافت.» (القرشی، ۱۳۸۵: ص ۱۶۸)

لازم به ذکر است که کلام حمید بن مسلم که در مورد امام(ع) تعبیر کودک را به کار بردند، برای جلوگیری از قتل امام بوده چراکه بر اساس مقررات جنگ‌های صدر اسلام کودکان کشته نمی‌شدند و سن حضرت ۲۳ سال بوده است. (دعای، ۱۳۸۰: ص ۷۶)

۴-۱-۱- امام سجاد^(ع) در کوفه

کوفه اولین جایی بود که اسرا را به آنجا بردند و امام سجاد^(ع) نقش تبلیغی خود را از آنجا شروع کرد؛ و پیام کربلا را به گوش عموم مردم رساند.

کوفه، شهری که مردمانش حسین^(ع) را دعوت کرده بودند و خود را فدایی او می‌خواندند اما در هنگام سختی و کمک خواستن، امامشان را تنها گذاشتند و دنیا را به آخرت ترجیح دادند و از بذل جانشان در راه امام برحقشان کوتاهی کردند.

وقتی اسرا به کوفه رسیدند؛ و مردم را در آن حال و وضع بد دیدند فریاد زدند و گریه می‌کردند، در آن هنگام حضرت زینب خطبه‌ای ایراد کرد که همه را بعد از ۲۰ سال به یاد خطبه‌های امام علی^(ع) می‌انداخت.

و بعد از ایشان امام سجاد فرصت را مناسب دیدند که پیام شهدا و مظلومیت آنان را به گوش مردم برسانند و همچنین چهره ستم امویان را برملا سازند. امام سجاد به مردم اشاره کردند تا ساکت شوند سپس به پا خاستند و سخنان خود را ایراد کردند.

امام سجاد^(ع) در این خطابه کوتاه و روشنگر، حادثه «کربلا» را از هر دو بعد آن مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. از یک طرف درنده‌خوئی‌ها و جنایات ضد انسانی «یزید» و مزدوران او را برملا ساختند و آنان را به‌عنوان قاتل، غارتگر، شکننده حرمت انسانیت و اسیر کننده زنان و فرزندان پیامبر، معرفی کردند و کوفیان را افرادی نیرنگ‌باز، پیمان‌شکن و شریک جرم «یزید» قلمداد و عواقب وخیمی را که در انتظارشان هست گوشزد فرمودند.

از سوی دیگر، امام حسین^(ع) و اهل بیت او را خاندان پیامبر^(ص) معرفی فرمود و شهادت آن بزرگوار و یارانش را به‌عنوان بزرگ‌ترین افتخار خاندان خویش مطرح کرد.

اگر امام سجاد^(ع) در آن دوران، این حقایق را نمی‌گفت و افکار عمومی را در جریان آن قرار نمی‌داد، چه‌بسا دستگاه تبلیغاتی «یزید» حوادث را طوری دیگر جلوه می‌داد. آن حضرت از همان روزهای نخستین وقوع این حادثه، چهره اصلی «عاشورا» را ترسیم کرد و در سینه‌ها جای داد؛ به‌گونه‌ای که همان گفته‌ها و شنیده‌ها در قرن سوم در کتاب‌های تاریخی عمده ثبت گردید و خلفای «بنی‌امیه» علی‌رغم تلاش‌های خود نتوانستند آن را تحریف کنند. (حیدری، ۱۳۷۳: ص ۶۸)

با ناکام شدن دستگاه خلافت یزید در سیاست خود نسبت به اسرای کربلا در کوه، یزید دستور داد تا اسرا

را به شام بفرستند تا بتوانند این شکست را جبران کند، چون وضعیت کوفه با شام متفاوت بود. اهل بیت در کوفه ناشناخته نبودند و کوفه هنوز امام علی^(ع) و آن مناجات‌های شبانه ایشان و دستگیری از یتیمان و فقیران را از یاد نبرده بود، ولی وضعیت فرهنگی شام متفاوت بود آنجا مرکز خلافت بنی‌امیه بود، آن‌ها حتی پیامبر را ندیده بودند و گمان می‌کردند مسلمانان واقعی و وارثان حقیقی پیامبر یزید و اجدادش هستند. اهل شام یزید را امیر مؤمنان و امام حسین^(ع) را دشمن دین و اهل فتنه و فساد می‌دانستند بنابراین یزید می‌خواست با آوردن اسرا به شام نهایت خواری را به آن‌ها تحمیل کند.

خطبه امام سجاد^(ع) در کاخ یزید تکیه بر شناساندن خود و پدرش به عنوان فرزندان نسبی رسول خدا^(ص) و از خانواده فضیلت بود. فضایی از جد و جده و پدرش بیان کرد که آن مردم به هیچ‌وجه نشنیده بودند. آراسته بودن خود را به اخلاق عالی و موردعنایت خدا بودن خویش را یاد آورد و...

سخنان امام همه‌مه عجبی ایجاد کرده بود. امام برای آگاه کردن بیشتر مردم پیراهن برتن درید و فریاد زد: «به خدا قسم، غیر از من در اینجا کسی نیست که رسول خدا جدش باشد؛ پس چرا این مرد ما را ظالمانه کشت و اهل ما را مثل رومیان به اسارت گرفت»

خطبه امام ضربه محکمی بر پیکر حکومت اموی بود. گروه زیادی از شامیان فهمیدند که آن‌ها خویشاوندان رسول خدا^(ص) بودند و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای کشتن آن‌ها وجود نداشته است. افکار عمومی به سود امام تغییر کرد. (حیدری، ۱۳۷۳: ص ۸۴-۸۵)

یزید چاره‌ای جز تغییر رویه و اظهار ندامت و بیزارگی از عبیداله ندید. او در مقابله با حرکت اهل بیت چند اقدام انجام داد.

۱- طرح ترور امام سجاد را ریخت ولی موفق نشد.

۲- برای جلوگیری از اجتماع مردم در عزاداری اهل بیت و کنترل آنان طرح انتقال آنان به کاخ را اجرا کرد.

۳- گناه کشتن امام حسین^(ع) را به گردن عبیداله انداخت.

۴- به نظر خودش سعی در جبران خسارت مالی وارده به اهل بیت کرد و به دلجویی از آنان پرداخت

۵- بالاخره به پیشنهاد مروان، از ترس و برای جلوگیری از اقدامات فرهنگی اهل بیت آنان را با احترام به مدینه بازگرداند.

البته این تعبیر رویه یزید برای عوام‌فریبی بود، چون بعد از این جریانات ابن زیاد را به شام فراخواند و به او هدایای فراوان داد و او را از خاصان خود قرارداد. (حیدری، ۱۳۷۳: ص ۸۶)

افشاگری‌های اهل بیت و امام سجاد(ع) در شام پیامدهای فراوانی به سود اهل بیت و برخلاف خواست دستگاه خلافت داشت. یزید خود را خلیفه پیامبر و امام بر حق معرفی کرده بود و امام حسین(ع) را شورش کننده بر خلیفه حق، فردی غیر مقید به احکام دین و... شناسانده بود. تلاش‌های روشنگرانه امام سجاد(ع) و بقیه اهل بیت (علیهم‌السلام) بعد از اسارت توانست حکومت یزید را از رسیدن به هدف شوم خود بازدارد. اهل بیت به شامیان فهماندند که آن‌ها اهل بیت پیامبر وارثان حقیقی او هستند که یزید بدون هیچ‌گونه جرم و حقی مردان آن‌ها را کشته و زنا نشان را به اسارت گرفته است. (حیدری، ۱۳۷۳: ص ۸۹)

۵-۱-۱- بازگشت به مدینه

یزید برای حفظ ظاهر اهل بیت را بین ماندن با اکرام و احترام در شام و بازگشت به مدینه مختار گذاشت و آنان بازگشت به مدینه را خواستار شدند. اهل بیت در راه، خواستار شدند که به کربلا بروند و آن‌ها بعد از چند روز عزاداری و تجدید پیمان با شهدای کربلا، به سوی مدینه حرکت کردند. (حیدری، ۱۳۷۳: ص ۹۱-۹۲)

۶-۱-۱- ورود به مدینه

مدینه آخرین پایگاهی بود که امام سجاد و اهل بیت باید پیام کربلا را منتقل می‌کردند.

امام سجاد(ع) نیز برای مردم مدینه خطبه‌ای ایراد کرد که مضمون خطبه در مدینه بیان فاجعه دردآوری بود که اتفاق افتاده و همچنین مظلومیتی که واقع شده و باید در سینه‌ها ثبت گردد و غم و اندوه آن فراموش شود. امام در اینجا اهل مدینه را به عزا، ماتم و مصیبت فرامی‌خواند. اهل مدینه دورآور جنایت کربلا را شنیده‌اند اما عمق فاجعه را در نیافته‌اند، باید عمق فاجعه برای آن‌ها شکافته شود و تکیه امام هم بر این مطلب است. (حیدری، ۱۳۷۳: ص ۹۵)

۲-۱- ویژگی‌های اخلاقی و علمی امام سجاد(ع)

امامان معصوم (علیهم‌السلام) که چراغ‌های فروزان بشریت هستند همگی در اخلاق و ادب به سرحد کمال رسیده بودند در عصر خلافت امویان ارزش‌های انسانی و فضایل اخلاقی فراموش شده بود و دنیاخواهی، تجمل، تکبر، ظلم و سایر رذایل انسانی جای خود را به تواضع، مهربانی، رحم، مروت، انصاف و سایر فضیلت‌های اخلاقی زمان پیامبر(ص) داده بود و مردم وصف این اخلاقیات را در داستان‌ها شنیده بودند.

امام سجاد(ع) احیاگر تمام فضیلت‌هایی که مردم در پیامبر و اهل بیت سراغ داشتند بود. امام سجاد(ع) چنان در اخلاق سرآمد بودند که دوست و دشمن نمی‌توانستند آن را انکار کنند و نادیده بگیرند.

روزی امام از مجلس عمر بن عبدالعزیز که بعدها خلیفه شد، برخاست. عمر بن عبدالعزیز از اطرافیان پرسید شریف‌ترین مردم کیست؟ گفتند تو، گفت:

«چنین نیست، به‌درستی که شریف‌ترین مردم این آقایی بود که از نزد ما برخاست، اوست کسی که مردم دوست دارند از او باشند و با او نسبت داشته باشند تا از او کسب شرافت کنند، ولی او نسبت باکسی را نمی‌خواهد.»

امام سجاده^(ع) از نظر علمی نیز سرآمد زمان خودشان بودند و روایات بسیاری در باب فضایل قرآن، دعا، حلال و حرام و... از ایشان نقل شده است.

در شام هنگامی که یزید با خطبه خواندن امام مخالفت کرد، بعضی از اطرافیان گفتند: که این جوان، نیکو سخن نخواهد گفت؛

یزید در جواب آنان گفت:

او از خانواده‌ای است که علم را با شیر مادر نوشیده‌اند.

۲. نقش تبلیغی حضرت سجاده^(ع) در نهضت کربلا

هدف امام حسین^(ع) از بردن اهل‌بیت با خود، پیام‌رسانی و تبلیغ بود. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«درواقع امام حسین^(ع) یک عده مبلغ را طوری استخدام کرد که بعد از شهادتش آن‌ها را با دست و نیروی دشمن تا قلب حکومت دشمن یعنی شام فرستاد. این خودش یک تاکتیک عجیب و یک کار فوق‌العاده است. همه برای این است که این صدا هرچه بیشتر به عالم برسد.»

اهل‌بیت امام به‌ویژه امام سجاده^(ع) و حضرت زینب^(س) بیشترین نقش را در صیانت از انقلاب و تحریف زدایی و دشمن‌شناسی داشتند. اسارت اهل‌بیت موجب حفظ خون شهدا و عامل بقای دین گردید. از سوی دین حضور کودکان و زنان، بعد عاطفی و تبلیغی نهضت را افزایش داد.

امام سجاده^(ع) در انجام رسالت خود از شیوه‌ها و ابزار تبلیغی رایج آن زمان مانند شعر و خطبه استفاده کردند. افزون بر این، عزاداری نیز مهم‌ترین وسیله معرفی شخصیت‌ها و بیان مظلومیت و حقیقت بود. (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸: ص ۳۲۹-۳۲۸)

عزاداری اهل‌بیت و امام سجاده^(ع) در خانه یزید آن‌چنان تأثیرگذار بود که مردم تصمیم گرفتند به خانه یزید بروند و او را بکشند. این همان نقش رسالت اهل‌بیت در حفظ و پاسداری از قیام امام حسین^(ع) و افشای حکومت غاصب یزید بود. (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸: ص ۳۴۵)

بی‌تردید نقش تبلیغی و پیام‌رسانی امام سجاده^(ع) کمتر از خون شهیدان و کشته شدن همراه آنان نبود. اگر قیام

عاشورا را پرنده‌ای فرض کنیم که به سمت هدفی پرواز می‌کند یکی از باله‌ای آن رسالت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در رساندن پیام کربلا به همه مردم بود. تبلیغات اهل‌بیت به ثمر نشست و موجب خنثی شدن توطئه دشمن گردید تا آنجا که یزید پشیمان شد و قتل امام حسین را به ابن زیاد نسبت داد و از اهل‌بیت دلجویی کرد و هم‌اینکه این تبلیغات باعث به وجود آمدن قیام توابین و قیام مختار و قیام مردم مدینه شد.

۳. روش‌های امام سجاد^(ع) در احیاء نهضت عاشورا

امام سجاد^(ع) بعد از اینکه رسالت تبلیغی خویش را در راه بازگشت از کربلا به مدینه با موفقیت به پایان رساندند برای اینکه این حادثه جان‌گداز به فراموشی سپرده نشود به همگان سفارش می‌کردند تا بر مصیبت حضرت سیدالشهدا^(ع) گریه کنند و با یادآوری فاجعه کربلا نگذارند دشمن به هدف خود که پاک شدن این حادثه در ذهن مردم است برسد. ایشان از روش‌هایی در این زمینه استفاده می‌کردند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱-۳- روش‌های عاطفی

۱-۱-۳- گریه بر سیدالشهدا^(ع)

گریه و اشک حامل پیام است پیامی که قلم و بیان از ترسیم آن عاجزند. نقل است که آن حضرت به حدی در عزای پدر مظلوم خویش گریست که او را یکی از بکائین پنج‌گانه تاریخ لقب دادند. اگر این گریه‌ها و یادها نبود، چه بسا حادثه عاشورا از خاطره‌ها محو می‌شد یا از طراوت و نشاط می‌افتاد. گریه‌های حضرت همانند گریه‌های حضرت صدیقه طاهره^(س) پیام و محتوای بلند امامت را با خود داشت.

۲-۱-۳- یادآوری حادثه عاشورا

امام سجاد در هر مناسبت از حادثه جان‌گداز عاشورا یاد می‌کرد و از این رهگذر اجازه نداد که این حادثه از یادها برود حضرت با این کار نفرتی عمیق و دائمی از ستمگران در دل‌ها کاشت و پیوسته ارزش‌ها و ارزش‌آفرینان کربلا را بزرگ می‌داشت.

نقل است که امام هرگاه بر سر سفره می‌نشست اشک می‌ریخت و می‌فرمود: «پسر پیغمبر گرسنه و لب‌تشنه شهید شد».

۳-۱-۳- توصیه بر زیارت امام حسین^(ع)

از شیوه‌هایی که امامان برای احیاء نهضت عاشورا به کار گرفتند، توجه فراوان به زیارت امام حسین^(ع) بود.

زیارت، ارتباط روحی زائر با مرور و اعلام بیعت با اوست. امام سجاده^(ع) خود مخفیانه چند بار به زیارت سالار شهیدان رفت تا جائیکه سجده بر تربت حضرت از سجده بر خاک همه اماکن مقدس دیگر برتری دارد. سجده بر تربت سالار شهیدان یادآور خاطرات فداکاران راه حق و تجدیدعهد با شهیدان است. این تربت به پاس فداکاری سید مظلومان و سرور آزادگان از آغاز مورد تکریم ویژه نبی اکرم^(ص) و امیر المومنین^(ع) و امامان (علیهم‌السلام) بوده است. امام سجاده^(ع) پیوسته مقداری از تربت پاک امام حسین^(ع) با خود داشت و به هنگام نماز بر آن سجده می‌کرد.

۲-۳- روش‌های سیاسی

۱-۲-۳- شکستن ابهت و غرور دشمن

یزیدیان در حادثه کربلا خود را فاتح بلامنازع می‌دیدند و تلاش گسترده داشتند که این پیروزی را دستاویزی برای تحقیر اسیران آزادی‌بخش کربلا قرار دهند. ولی امام سجاده^(ع) و حضرت زینب^(س) این دو تربیت‌شده مکتب وحی، به‌شدت با این جریان برخورد کردند و عزت خاندان طهارت را به‌صورت عینی برای دشمنان مجسم نمودند، به‌طوری‌که در طول مدت اسارت به‌هیچ‌وجه سخنی که بوی عجز و ذلت دهد از این آزادگان تاریخ صادر نشد. چراکه ذلت از ساحت تربیت‌شدگان مکتب فاطمه^(س) به‌دوراست.

۲-۳-۳- افشاگری‌ها و سخنرانی‌های عمومی

این سخنرانی‌ها بر چند محور استوار بود.

- ۱- بیدار کردن وجدان‌های خفته
- ۲- افشای جنایات دشمنان و پاشیدن بذر نفرت از بنی‌امیه در قلوب
- ۳- معرفی خاندان پیامبر^(ص) به‌ویژه امام علی^(ع)

۳-۲-۳- ارشاد و هدایت

یکی از وظایف خطیر پیامبر^(ص) و امامان (علیهم‌السلام) هدایت و ارشاد مردم ناآگاه است. از این‌رو امام سجاده^(ع) در طول مدت اسارت، به‌صورت عمومی و خصوصی از فرصت‌ها استفاده کرد و در مورد عده‌ای از دشمنان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که مخالفت‌هایشان از سر جهل بود به ارشاد و هدایت پرداخت. (خاتمی، ۱۳۸۰: ص ۳۰)

۴. آثار و پیامدهای زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره عاشورا

این اقدامات امام سجاده^(ع) در دورانی بود که حکومت اموی، تمام توان و همت خویش را برای از بین بردن نام و خاطره امام حسین^(ع) و واقعه جان‌گداز عاشورا صرف کرد. طبیعی است در چنین شرایطی، گریه بر

امام حسین^(ع) و عزا و ماتم، یک نوع مبارزه جدی با حاکمان ستمگر اموی بود؛ امام سجاد^(ع) از عهده این کار به خوبی برآمد. آثار و نتایجی که خیلی زود در جامعه اسلامی ظهور کرد، خود شاهد بر این مدعاست. (رنجبر، ۱۳۸۳: ص ۱۴۵)

سخنان بیدارکننده حضرت زینب و امام سجاد^(ع) در کوفه و شام مردم را تحت تأثیر قرارداد و مردم از عملکرد خود پشیمان شدند و گریه و زاری می کردند و با اهل بیت پیامبر^(ص) عزاداری می کردند.

۱-۴- آثار و نتایجی که در کوتاه مدت آشکار گردید

از جمله این پیامدها، قیام توابین و قیام مختار بود که در اثر روشنگری های امام سجاد^(ع) و خاندانش و بیدار کردن اذهان و اندیشه های در غفلت فرو رفته، آثار و نتایج پر باری همچون، به هلاکت رسیدن بسیاری از قاتلین امام حسین^(ع) را در پی داشت.

۲-۴- آثار و نتایجی که در دراز مدت نمایان گردید

عملکرد امام سجاد^(ع) باعث شد که چهره امویان که به نام اسلام حکومت می کردند، برای امت اسلامی نمایان شود و آنان را به قیام و جنبش وادارد. چنان که قیام زید بن علی که بیش از نیم قرن بعد از حادثه کربلا صورت گرفت و نزدیک بود طومار ننگین حکومت اموی را در هم پیچید، از آثار و برکات این اقدامات بود. البته این آثار فقط به قرون اولیه اسلامی منحصر نیست؛ بلکه، اصولاً واقعه جانگداز عاشورا، تبلور مظلومیت امام حسین^(ع) و یارانش در طول تاریخ، اسوه و نمونه ای درس آموز، برای هر انسان آزاده ای بوده است که ناخواسته در برابر ظلم و بیدادگری حاکمان عصر خویش ساکت بنشیند. چنان که انقلاب اسلامی ما به رهبری خردمندان امام خمینی رحمه الله علیه، از درس ها و عبرت های عاشورا نشأت گرفته است. (رنجبر، ۱۳۸۳: ص ۱۴۶)

شهادت امام حسین^(ع) و فداکاری اصحاب و اسارت اهل بیت ایشان جمال زیبایی حقیقت و انسانیت را نشان داد و دل ها را به عالم معنی متوجه ساخت و به همه فهماند که انسانیت یک معنای عالی تری غیر از این اندام ظاهر است و اگر انسان در وادی آدمیت سیر کند آن قدر قوی و شرافتمند می شود که هیچ یک از قوای مادی نمی توان بر او تسلط یابد و با تمام حظوظ حیوانی و مقامات دنیایی نمی توان آن را خرید. (جباری، ۱۳۸۳: ص ۱۹۴)

نتیجه گیری

با بررسی واقعه کربلا و سیره امام سجاد^(ع) می توان گفت که اگر امام سجاد^(ع) و حضرت زینب^(ص) نبودند که پیام آزادی و عزت قیام کربلا را به گوش همگان برسانند این قیام به فراموشی سپرده می شد و خون

پاک آن‌ها به هدر می‌رفت.

خون امام حسین^(ع) و یارانشان ریخته شد تا به همگان درس آزادگی و زیر بار ستم نرفتن و معنویت‌گرایی را بیاموزند و خون و پیام در هر انقلابی مکمل یکدیگر و مانند دو بال برای پروازند. ارزش پیام‌رسانی کمتر از شهادت نیست. شهادت امام حسین^(ع) و فداکاری اصحاب و اسارت اهل بیت ایشان جمال زیبای حقیقت و انسانیت را نشان داد و دل‌ها را به عالم معنی متوجه ساخت که انسانیت غیر از این اندام‌های ظاهری است.

این قیام امام حسین^(ع) جاودان است و هر چه عزاداری و تأمل در حادثه کربلا بیشتر شود اثر قیام در قلب مردم بیشتر نفوذ می‌کند و مردم هر چه بیشتر به سوی هدف امام حسین^(ع) که اصلاح امور مردم و امر به معروف و نهی از منکر است می‌روند و حرکات اصلاحی به سمت یاری مظلومان و گذشت از مال و جان در راه خدا بیشتر می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- القرشی، باقر شریف (۱۳۸۵). پژوهشی کامل در زندگانی امام زین‌العابدین حضرت سجاد^(ع)، ج ۱، ترجمه محمد صالحی. تهران: مشکوه.
- ۲- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۳۸۸). نگاهی نو به جریان عاشورا. قم: موسسه بوستان کتاب.
- ۳- جباری، ابوالحسن (۱۳۸۳). قیام امام سجاد^(ع)، شیراز: نوید شیراز.
- ۴- حیدری، احمد (۱۳۷۳). سیمای حماسی امام سجاد^(ع). خراسان، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۵- خاتمی، احمد (۱۳۸۰). سیمای حماسی امام سجاد^(ع). تهران: نشر مطهر.
- ۶- دعایی، محمد محسن (۱۳۸۰). اسوه کامل. تهران، اطلاعات.
- ۷- رنجبر، محسن (۱۳۸۳). نقش امام سجاد^(ع) در رهبری شیعه. تهران: صدف.
- ۸- شهیدی، جعفر (۱۳۸۶). زندگانی علی بن حسین^(ع)، چاپ پانزدهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.